

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۸ جولای ۲۰۲۱

امریکا در پی نجات عربستان سعودی از گرداب

(۱)

رهبر عربستان سعودی طبیعتاً عده‌ای هوادار دارد، هم در بین ایرانیان «بشردوست» و جیرمخوار و هم در بین دول غربی منفعت‌جو. به همین جهت نیز برای این که کسی دست‌های خونین این مستبد خوش خط و خال را نبیند، هستند کسانی که به «مدرنیته» این «محمد بن سلمان» تکیه می‌کنند. کسانی که از قَبْلِ عربستان سعودی مستفاد می‌شوند، مرتب از اصلاحات و تغییرات در عربستان سعودی به دست «محمد بن سلمان» جوان صحبت می‌کنند. این تغییرات و «اصلاحات» الزاماً به سمت جلو نیستند. مسأله رانندگی مشروط بانوان، که بر عرش‌اعلی نوشته‌اند و یا شرکت مشروط آنها در صحنه‌سازی‌های نمایشی در مسابقات فوتبال، نشانه توسعه حقوق بشر، دموکراسی و پیشرفت نیست. تمام این رویدادها در سایه اژه محمد بن سلمان روی می‌دهند که از بالا همه امور مقتضی را دیکته می‌کند. حتی حد و مرز دموکراسی و حقوق بشر را جناب ایشان تعیین می‌نمایند. اصلاحات و تغییرات را نمی‌شود به صورت تبلیغاتی، جزئاً در نظر گرفت، بلکه باید آنها را در بستر کل تحولات اجتماعی مورد توجه قرار داد و نخست با تعیین ماهیت پدیده، برای تحلیل علمی به بررسی مسایل پرداخت. رانندگی زنان بیان تحقق حقوق زنان نیست، برای آن است که تساوی حقوق زنان با مردان فقط در حد رانندگی محدود گردد و نادیده گرفته شود. تساوی حقوق زن و مرد متناقض با «وهابیسم» است. شعار آنها این است: «جزء را بچسب، کل را فراموش کن».

گفته می‌شود که بعد از روی کار آمدن «جو بایدن» در امریکا، که شناخت نسبتاً بهتری از «ترمپ» در امور خاورمیانه دارد، سیاست دیگری در خاور میانه اعمال خواهد شد. این تبلیغات بیش‌تر برای تحمیل مردم هستند، تا انطباق بر واقعیت. «جو بایدن» همان سیاست‌های کلان و ستراتیژیک امپریالیسم امریکا در منطقه را به پیش خواهد برد که می‌تواند در نوع بیان و اتخاذ برخی تاکتیک‌ها با راهکارهای رئیس‌جمهوری قبلی متفاوت باشد، زیرا که هم، زمان تغییر کرده، هم اشتباهات عدیده به روی هم تلمبار شده و هم تناسب نیروها به هم خورده است. شرایط دیگر اقتضاء نمی‌کند که همان روش‌های گذشته اعمال شود، زیرا تاکتیک‌های قبلی کاربری نداشته‌اند و حال باید روش‌های جدیدی برای نیل به همان مقاصد قبلی در نظر گرفته شود.

فراموش نکنیم که عربستان سعودی یک شریک ستراتیژیک امریکاست و روابط نزدیک و دوستانه‌ای تا به امروز با امریکا داشته است. امریکا همیشه اعلام کرده است که همچنان به پشتیبانی خود از عربستان سعودی، که در واقع گاو

شیرده امریکاست، ادامه می‌دهد و از این کشور در برابر تهدیدات خارجی حمایت خواهد کرد. این حکم امریکا به نتیجه انتخابات امریکا مربوط نیست، بلکه از اهمیت و جنبه حیاتی نفوذ امریکا در عربستان سعودی منشأ می‌گیرد.

دولت «جو بایدن» نمی‌تواند نقش مهمی در خاورمیانه بدون وجود عربستان سعودی و اسرائیل بازی کند. مثنی ممالک خاورمیانه جیره موجب بگیر عربستان سعودی هستند. به این جهت امریکا معتقد است که ایجاد ارتباط با ریاض تأثیرات مستقیمی بر توانائی آنها در دستیابی به اهدافشان در خاورمیانه دارد. از جمله این توانائی مقابله با سیاست ایران در منطقه است. در نوع برخورد «جو بایدن» و نقش جدید وی در خاورمیانه نمی‌شود این مؤلفه‌های اساسی را از نظر انداخت. جنجال تبلیغاتی در مورد تغییرات سیاست امریکا در مورد عربستان سعودی مبنای منطقی ندارند. آنها در پی نجات عربستان سعودی از مخمصه‌ای هستند که گرفتار آن شده است.

بعد از روی کار آمدن «جو بایدن» در امریکا وی به رسم معمول با سران کشورهای جهان به ترتیب اهمیت آنها برای ایالات متحده امریکا تلفونی تماس گرفت و به مذاکره پرداخت. خلاف «دونالد ترمپ»، که برای عربستان سعودی ارزش نخست را قایل شده بود، «جو بایدن» روزی که به «اوهورو کنیاتا»، رئیس جمهور کشور کنیا، تلفون کرد با «سلطان سلمان بن عبدالعزيز»، پدر ولیعهد کنونی عربستان سعودی، «محمد بن سلمان» (بخوانید محمد بن ارّه - توفان) نیز تماس گرفت. همین اقدام «جو بایدن»، که از بالای سر «محمد بن سلمان» با پدر ایشان تماس برقرار کرد، گویای آن بود که امریکا وی را دیگر به عنوان مقام رسمی و شخصیت درجه اول عربستان سعودی به رسمیت نمی‌شناسد و ترجیح می‌دهد با پدر وی به عنوان مقامی رسمی و مشروع به تبادل نظر بنشیند. این ژست «جو بایدن» به معنای آن نیز هست که حکومت عربستان سعودی باید در گزینش جانشین برای «سلطان سلمان بن عبدالعزيز» تجدید نظر کند، زیرا «محمد بن ارّه» فاقد اعتبار جهانی است. البته این اقدام «جو بایدن» به همین راحتی و تفاسیری که در مطبوعات غربی ارائه می‌شود، صورت نگرفته است. تماس روز سه‌شنبه «جو بایدن» با «سلطان بن عبدالعزيز» با موفقیت روبه رو نبود، زیرا وی به بهانه تمارض از تماس با «جو بایدن» سرباز زد و خواست نشان دهد که با این روش تماس با امریکا موافق نیست. ولی سرانجام به تماس روز پنجشنبه تن در داد که این خود گویای تسلیم بلاشرط عربستان سعودی نیست. هنوز مشکلات عدیده‌ای در پیش پای دو طرف وجود دارد که باید با تفاهم میان آنها حل شوند.

مطبوعات اروپائی، که حساب‌گرانه و با احتیاط به عربستان سعودی برخورد می‌کنند، با اشاره به سنت قدیمی رومی‌ها در نبرد گلاادیاتورها نوشته‌اند که: «برای امریکا دورانی که با بالا یا پائین بردن شستش تکلیف عربستان سعودی را تعیین می‌کرد، گذشته است» و با این کنایه به انتقاد مشروط خود و تمایل به ادامه همکاری «بشردوستانه» با «محمد بن سلمان» تکیه کرده‌اند.

واقعیت این است که در سراسر جهان به ویژه در ممالک عربی مردم این کشورها لقب «پدر ارّه» (ابو بمنشار) را همواره همراه با نام «محمد بن سلمان» استفاده می‌کنند و چنین فرد بی‌رحم و جنایتکاری نمی‌تواند همان نقشی را در کنار امریکا بازی کند که برای «فروش ارزش‌های مشترک جامعه متمدن غربی» برای فریب مردم جهان مورد نیاز است.

روزنامه «زود دویچه سایتونگ» در تاریخ ۲۷/۲۸ ماه فبروری ۲۰۲۱ در مورد صحبت تلفونی «جو بایدن» با «سلمان بن عبدالعزيز» نوشت: «بمب دیپلماتیک در این عبارت بسته‌بندی شده است، بایدن تأکید کرد که چه ارزشی حقوق بشر با جهان‌شمولی‌اش و حکومت متکی بر قانون برای امریکا دارد».

همین روزنامه می‌نویسد: «هدف از تلفون یکی هم آن بود که به پادشاه کهن سال خبر دهد که رئیس سازمان جاسوسی امریکا «اوریل هینس» (Avril Haines) ارزیابی امریکا در مورد مسؤولیت شاهزاده «محمد بن سلمان» در قتل خبرنگار «جمال خاشقجی» را، که در اکتوبر ۲۰۱۸ به قتل رسید، منتشر می‌کند؟».

در روز ۲۶ ماه فیروزی همین روزنامه خبر داد که: «گزارش (سازمان سیا) به این نتیجه می‌رسد که قتل «خاشقجی» مورد تأیید «محمد بن سلمان» بوده است». این خبر مورد تأیید فرستنده‌های «بی.بی.سی.»، «ان.بی.سی.» و «رویترز» نیز قرار گرفته است.

ارزیابی منابع اطلاعاتی امریکا در مورد قاتل بودن «محمد بن ارّه» جدید نیست. دولت ترکیه به رهبری «اردوخان» اسناد این جنایت وحشتناک را برای تمام مراجع جهانی و سران بسیاری ممالک ارسال کرده بود، به طوری که جای کتمان آن برای کسی باقی نمانده است. حتی در آن زمان «دونالد ترمپ» با غیرحرفه‌ئی و ناشیانه‌خواندن کار قاتلان، بر دوستی خود با عربستان سعودی تأکید کرد و این قاتل را به کنفرانس بیست کشور صنعتی جهان دعوت کردند و تلاش نمودند وی را تظہیر و آرایش نمایند. همه دنیای امپریالیسم و صهیونیسم به وجود این جلاد برای مبارزه با ایران نیاز داشتند و دارند. این امر متأسفانه به دادن اعتبار به رژیم ایران، که خودش در ترور منتقدان ید طولانی دارد، منجر می‌شد، که شد. «جو بایدن» در کارزار انتخاباتی امریکا برای تضعیف موضع «ترمپ» و آلوده نمودن چهره وی با وارد کردن این اتهام که با قاتلان و جلادان مماشات کرده و معامله تجاری می‌کند، کوشید تا نظر سازمان‌های حقوق بشری و غیردولتی را به خود جلب نماید. او در عین حال اعلام کرد که به مجرد رسیدن به حکومت تحلیل رسمی منابع امریکائی در مورد عربستان سعودی را منتشر خواهد کرد. روزنامه «زوددویچه سائتونگ» در ۲۷/۲۸ فیروزی ۲۰۲۱ نوشت: «رئیس جمهوری قبلی «دونالد ترمپ» اطلاعاتی را که اساساً توسط سازمان سیا کسب شده بود، بدون توجه به خواست کنگره امریکا محرمانه اعلام کرده بود» و طبیعتاً بعد از «ترمپ» این اسناد در اختیار کنگره قرار گرفتند.

بر اساس وضعیت جدیدی، که به وجود آمده است، خانواده‌های امریکائی، که بستگان خود را در رویداد ۱۱ سپتمبر در برج‌های دوقلوی نیویورک از دست داده‌اند، برای کسب خسارت از عربستان سعودی به دادگاه شکایت کرده‌اند. این امر شامل تأثیرات قتل «جمال خاشقجی» نیز می‌شود.

در بدو امر واکنش دولت امریکا این است که این دولت تعداد زیادی از اطرافیان «محمد بن سلمان» را مجرم شناخته و ورودشان را به خاک امریکا ممنوع اعلام کرده است. ولی پاره‌ای سیاستمداران از هر دو حزب درخواست کرده‌اند به مجازات‌های نمادینه نباید بسنده نمود، بلکه باید حساب‌های بانکی آنها را نیز مسدود کرد و به سخن دیگر میلیاردها دالر از دزدی‌های آنها را رسماً و با توجیه «حقوق بشر» بالا کشید. دولت امریکا، که پرچم «حقوق بشر» را مجدداً برافراشته، تصمیم گرفته «محمد بن سلمان» را مجازات نکند و این موضوع را اینگونه توجیه می‌کند که چه در گذشته و چه در برهه جدید دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه از اعمال تحریم‌ها علیه رهبران دولت‌های خارجی، که با آنها روابط دیپلماتیک دارند و حتی دولت‌هایی که روابط دیپلماتیک با آنها ندارند، امتناع ورزیده‌اند. این توجیه البته تأیید جنایت عربستان سعودی است و گر نه کیست که نداند ورود بسیاری از مقامات رسمی دولت‌های ایران، کوبا، بولیوی و ونزوئلا به امریکا ممنوع است. ما از رهبران جنبش فلسطین، در سوریه «بشار اسد» و سیاستمداران لبنان و یمن سخن نمی‌گوئیم. وی حتی «پوتین» را از جمع هفت کشور سران جهان به کنار گذارد و تحریم کرد. امریکا نشان داد که به همان سیاست ریاکاری و دروغ‌گوئی سابق خود ادامه می‌دهد و این امر نشان می‌دهد که «محمد بن سلمان» احتمالاً به ولیعهدی خود باقی می‌ماند و چه بسا مدت زمان طولانی بر عربستان حکومت کند و این احتمال وجود دارد که بعداً

دولت ایالات متحده راه‌های مذاکره‌های جدیدی را با ولیعهد عربستان پیدا کند. فراموش نکنیم که «جو بایدن» ۷۸ سال دارد و «محمد بن سلمان» ۳۵ سال.

با وجود ناروشتی‌های کنونی در زمینه روابط آمریکا و عربستان به نظر می‌رسد اطلاعیه دولت آمریکا مبنی بر بازنگری و تنظیم نوین روابط خود با عربستان به گونه‌ای تنظیم شده که تأثیر منفی بر روابط دو طرف نداشته باشد. از آنجا که عربستان سعودی اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آمریکا دارد، این امر نشانگر تمایل آمریکا برای ایجاد روابط دوستانه با عربستان سعودی بروشی است که در راستای منافع آمریکا باشد.

خطاهای ستراتیژیک عربستان سعودی

اختلافات اسرائیل و عربستان سعودی با آمریکا به ویژه از زمان انعقاد قرارداد «برجام» در زمان ریاست جمهوری «اوباما» عود کرد. این دو کشور متحد آمریکا با قرارداد «برجام» موافقتی نداشته و آن را به نفع ایران ارزیابی می‌کردند.

اجازه تجاوز به یمن را «بارک اوباما»، رئیس جمهوری وقت آمریکا، برای به دست آوردن دل سعودی‌ها، که از توافق هسته‌ای ایران با آمریکا برآشفته و ناراضی بودند، صادر کرد.

ائتلاف عربی - آمریکایی به سرکردگی عربستان از ششم فروردین [حمل] ۱۳۹۴ - زمانی که «جو بایدن»، معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا، «بارک اوباما» بود - حملات ضدانسانی خود را علیه مردم مظلوم یمن آغاز کرد. حال همین «جو بایدن» مخالف جنگ یمن از کار درآمده است.

این هدیه آمریکا به عربستان سعودی مانند طنابی به گردن‌شان افتاد که اکنون راه رهایی خود را از آن می‌جویند. «محمد بن سلمان» در اثر ارزیابی خطا از مناسبات منطقه و نیروهای موجود در یمن، وعده کرده بود که در یک حمله نظامی و در عرض سه هفته کار مخالفان مسلح را تمام کند که این سه هفته امروز به ۵ سال طول کشیده است. وی جنبش مردم یمن را مخالفت «حوثی»‌ها و آنها را عوامل رژیم ایران جلوه داد، تا بتواند تجاوز خود را نزد غرب توجیه نماید و به سیاست سنتی عربستان، که یمن را همیشه حیاط خلوت خود می‌دانسته و در آنجا حکومت تعیین می‌کرده، وفادار بماند. سعودی‌ها در این سیاست و تبلیغات مربوط به آن از حمایت صد در صد اسرائیل نیز برخوردار بودند. ولی این اشتباه سهمگین، که نیروی خلق را به حساب نمی‌آورد، هزینه نظامی سنگینی در تجاوز به یمن برای عربستان سعودی به بار آورد. این تجاوز نه تنها به گورستان میلیاردری برای بودجه عربستان سعودی تبدیل گشت، بلکه با بی‌آبرویی آنها در جهان نیز توأم گشت.

ادامه دارد

[برگرفته از توفان شماره ۲۵۷ مرداد ماه \[اسد\] ۱۴۰۰ اگست ۲۰۲۱](#)
[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)